

سعدی انسان را عظمت بخشید

ارباب قدرت را به چیزی می‌نمودند، آن‌ها را از اسب قدرت یابین می‌آورد و بعد با زبان نصیحت با آن‌ها سخن می‌گفتند. به‌راستی که در زمان فارسی هیچ‌سک مانند سعدی این طسرها را نشکسته است. چه کسی جرئت داشت که مثل سعدی با صاحبان قدرت سخن بگوید و آن‌ها را نصیحت کند؟ این طلسم‌سعدی سعدی، هنر بزرگ در مقابل معرفت به کسانی است که اهل چنین سخنانی نبودند.

سعدی انسان را عظمت بخشید

چونکه وجود انسان نیز از مفاز دیگر سعدی است. با حمله مغول، مقام ظاهر فرهنگی نابود و ارزش انسان بی مفاز شد. آن‌ها از این انجام می‌نمودند و در شکلی مجزای سانسازی حفظ می‌کنند. این کار توسط کسانی مانند سعدی، مولانا و عطار صورت گرفت. آن‌ها به انسان صبر خود می‌گفتند که حتی اگر در ظاهر نیز تو چیزی نمانده است، باز تو عالم اکبر هستی.

این گفتگوی بود که سبب بقای انسان شد. سعدی، انسان خشن، بی رحم، نابود و خاکستر شده زمامش را عظمت می‌بخشد و می‌گوید: «تو آدمی شریفی است به جان آدمیت»، آن‌گاه او را تالیف می‌کند؛ هر کس است که هنر خود را بر بیان انسان شایسته می‌گذارد و این هنر والای سعدی است. مولانا، عطار و سنایی هم در این کار با او تأثیر می‌گذارند. آن‌ها نیز چنین خدمت گرانگیزی را انجام دادند.

مکتب عرفانی سعدی نیز سهل و مستقیم است

سعدی در عرفان مکتب انسانی از معرفت چیز چنان جزوا و روشن سخن گفته است که حیرت‌آور است. هنر بزرگ او در همین مباحث به معرفت‌شناختی است. از سوی دیگر، سعدی زیبایی‌های ظاهر را انکار نمی‌کند اما در ورای آن‌ها لذت‌های برتر را می‌بیند. باید گفت که اگر چه مکتب عرفانی سعدی دراز دامش و دامن‌گستر است، اما در عین حال یکی از عزیزترین و گرم‌ترین کلماتی که در دریای معرفت او می‌توان یافت «دل» یا همان «قلب» است. این کلمه تمام بار معرفتی عرفان او را به دوش می‌کشد. سخن گفتن درباره عرفان سعدی هم دشوار است و هم آسان، چرا که مکتب عرفانی او مانند نخستن، با همه شفاف و زیبا بودنش، سهل و مستقیم است.



محمدیوسف نفی
(نویسنده و استاد ادبیات دانشگاه شیراز)

سعدی یک عارف است؛ یعنی کسی است که در آفرش، در راه شناخت خود و شناخت انسان گام برداشته است. او مجموعه‌ای از عقل این‌سنایی، ذوق روزبهانی، تجربت شهودی خودش و عوامل زمانی و مکانی این مجموعه، عرفان سعدی را می‌سازد. این نیز گفتنی است که در این وادی هیچ یک از عارفان ما به ماندن سعدی، روشن و شفاف سخن نگفته‌اند. ما به هیچ یک از آثار سعدی، تصاویر سپیدهای او که مولانا به کار می‌برد، نمی‌بینیم. این مولانا کسی است که «آب حیات عشق را در گم راه وانه کن!» آینه صوح را توجیه سلسله کن، با تصویر پیچیده‌ای زیور هسبتم، اما تصاویر سعدی، ساده و به دور از چنان پیچیدگی‌هایی است. کلام او بیزبانهای ساد و صوفیانه و ختنی در برایش هم صفت پیچیده‌ای به کار نمی‌برد. این سادگی کلام، با صورت ظهوری شکل تجلی روزبهانی آمیخته می‌شود و ترکیبی از ظریف‌ترین مباحث عرفانی الهی شهود را می‌سازد.

سعدی در عرفان، نقد قدسی دارد

گذاشتن در عرفان، نقد قدسی دارد. نقد قدسی یعنی اعمال خود را در ترازوی نقد مومنه، به نقد قدسی می‌بندد. این عمل با تشخیص ما به صورت‌های سعدی بسیار زیاده می‌گردد، به تقد قدسی هم می‌بازد. از ارباب قدرت گرفته تا مردم عادی، زیر زین نقد قدسی او قرار می‌گیرد. چنانچه سعدی که سعدی چنین خود را هم نقد می‌کند. شاید نقد قدسی را بتوان رزمی‌نمناک عرفان اسلامی دانست که زمانه نبویست آن در قرآن و نه تنها بلاغ، هم به روشنی اشکار است. باید به قضایای سعدی نیز برگردیم. این قضایای بسیار ظریف و جوانمرد، معرفت می‌بخشد. آن‌ها را می‌توان ذهنی واقعی دانست. در آن نقدان شکردهایی از سعدی می‌توان دید که تنها پیچیده‌ای خود است. به عنوان مثال، سعدی در قصیده‌ای که مدح کونه است خطاب به ممدوح خود می‌گوید «به نوبت‌ها بلوک اندرین سپنج سزای اکنون که نوبت توست ای ملک به عدل گرای». در واقع سعدی با چنین پندهایی نشان می‌دهد که



سعدی، انسان خشن، بی رحم، نابود و خاکستر شده زمانه‌اش را عظمت می‌بخشد و می‌گوید:

«تن آدمی شریف است به جان آدمیت»، آن‌گاه او را تالیف می‌کند

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

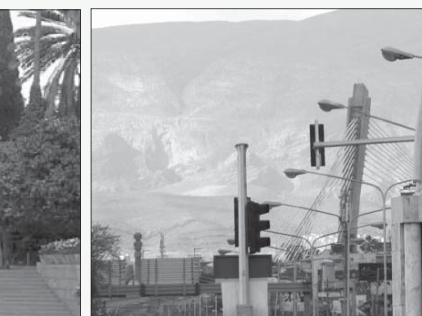
«صدق و جمال و وضوح، سه ویژگی سخن سعدی است

یکی دیگر از حالات دل، لذتهای دل است. لذت را همه می‌فهمند؛ لذت یعنی آن چه ملایم و مناسب با نفس انسانی است. انواعی هم دارد؛ مانند لذتهای قلبی، لذتهای عقلی و لذتهای شهودی. تمام اشعار عرفانی ما مملو از اسماول لذتهای قلبی است. غزلیات سعدی از مواج‌ترین این لذتهاست. شکل بلاغی و زیبای دارد که محضود خود اوست و آن موج حیرت در سخن سعدی است. سخن سعدی موج از حیرت است. این موج حیرت نشان می‌دهد که او مشاهده و مکاشفه بزرگی است. صدق و جمال و وضوح که سه ویژگی سخن سعدی است، البته‌ای از قرآن معنوی و قلبی است و شیخ این در بسیاری از آثارش نسبت میان عشق، معرفت و معنویت را در زیرپاها و جذابترین کلمات مطرح کرده است و باید جستجوی بیشتری در باب عرفان و لطایف عرفان سعدی صورت گیرد.

ذکرهای سعدی از قرآن سرچشمه می‌گیرد

ذکر در نگاه سعدی، ذکر موجودات است. ذکر تمام موجودات عالم در نگاه سعدی متعاهد می‌شود، در ذکر، انسان خود را در منظومه بزرگ وجودی احساس می‌کند و چیزی را نام می‌گذارد. ذکر کلمات سعدی از قرآن معنوی و قلبی است. نمونه‌های جالبی از تسبیح ذکر از غزلیات سعدی وجود دارد. در زبان زیبا و هنری سعدی نوعی تسبیح ذکر به مخاطب القا می‌شود. این سلاک مالک می‌شود و همه چیز را فروشی می‌کند. هنگامی که سخن از فضا می‌زند تصور می‌کند فضا می‌کند، مورد نظر است.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.



سعدی، انسان خشن، بی رحم، نابود و خاکستر شده زمانه‌اش را عظمت می‌بخشد و می‌گوید:

«تن آدمی شریف است به جان آدمیت»، آن‌گاه او را تالیف می‌کند

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

سعدی، انسان خشن، بی رحم، نابود و خاکستر شده زمانه‌اش را عظمت می‌بخشد و می‌گوید:

«تن آدمی شریف است به جان آدمیت»، آن‌گاه او را تالیف می‌کند

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.

منظور از وجه ذکر چیست؟ تمام موجودات وجهی از حق هستند، یعنی جهت و حضور انسان وسیله توجه است. در برخی از آیات سعدی، نوعی توجید ذوقی وجود دارد و نشان می‌دهد که سلاک مقام وحدت خود را درک می‌کند. هنگامی که انسان مقام وحدت خود را درک نکند، به مقام توجید ادبی دست نمی‌یابد. حاصل توجید مقام فرح الهی است که در اشارات و تنبیهاات این سنینا نیز آمده است. تفسیر و سوسلو و مرابن دل و تبدیل دل به مقام توجید، شکوهی است که نهایت بهجت و سعادت انسان را می‌رساند.